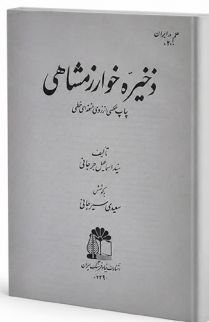




ذخیره خوارزمشاهی، جایگاه آن در پزشکی و زبان فارسی و سیر تاریخی تصحیح و نشر آن در قرن چهاردهم شمسی

محمد صدر^۱



10.30484/jii.2026.3364

M92sadr@gmail.com

• استناد: صدر، محمد (۱۴۰۵). ذخیره خوارزمشاهی، جایگاه آن در پزشکی و زبان فارسی و تاریخ تصحیح و نشر آن در قرن چهاردهم شمسی. مجله مطالعات ایرانی - اسلامی. ۱۶(۱). ص ۱۴۰-۱۴۹.

۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ
علم بنیاد دایرة المعارف اسلامی

در میان نسخه های موجود در کتابخانه های ایران، نسخه شماره ۱۱۸۹۰ کتابخانه ملی ایران، از حیث صحت متن و دقت در کتابت اصطلاحات تخصصی پزشکی، نسخه ای قابل اعتماد تلقی می شود؛ به گونه ای که می توان احتمال داد کاتب آن خود پزشک بوده یا دست کم آشنایی کافی با اصطلاحات طبّی داشته است؛ امری که به افزایش دقت در کتابت انجامیده است.

مقدمه

در تاریخ پزشکی دوره اسلامی، معدود آثاری را می توان یافت که هم زمان در دو حوزه دانش پزشکی، و زبان فارسی به عنوان زبان متون علمی نقش آفرین بوده باشند. ذخیره خوارزمشاهی از جمله این آثار است. این کتاب، که در سده های میانه به عنوان متن مرجع پزشکی در قلمرو فارسی زبانان رواج داشت، تا قرن چهاردهم شمسی همچنان عمده تاً در قالب نسخه های خطی و چاپ سنگی مورد استفاده قرار می گرفت.

۱. سید اسماعیل جرجانی: شخصیت علمی و زمینه تاریخی

سید اسماعیل بن حسن (یا حسین) جرجانی، معروف به زین الدین یا شرف الدین، از برجسته ترین پزشکان قرن پنجم و ششم هجری است. اطلاعات مربوط به زندگی او در منابع تاریخی پراکنده و گاه متناقض است، اما آنچه مسلم است جایگاه ممتاز او در تاریخ پزشکی در ایران و سرزمین های مختلف در دوره اسلامی است. جرجانی در دوره ای می زیست که طب اسلامی به مرحله ای از بلوغ نظری و عملی رسیده بود. آثار بزرگی چون قانون ابن سینا و الحاوی رازی پیش از او تألیف و گردآوری شده بودند و سنت پزشکی یونانی - اسلامی چهارچوبی نسبتاً تثبیت شده داشت. با این حال، نوآوری جرجانی نه در بنیان گذاری نظریه ای نو، بلکه در نظام مندسازی، عمومی کردن آموزش پزشکی برای مخاطب فارسی زبان، و فارسی سازی دانش پزشکی جلوه گر شد. او بخش عمده ای از زندگی علمی خود را در خوارزم، سرزمینی واقع در ازبکستان

امروزی، و در دوره حاکمیت خوارزمشاهیان گذراند و سرانجام در مرو، شهری در ترکمنستان کنونی، درگذشت. جرجانی همچنین در ذخیره خوارزمشاهی^۲ از دوران سرپرستی خود بر داروخانه بهاءالدوله در خوارزم و شهرتی که سبب مراجعه گسترده مردم به او می‌شد، یاد کرده است. خوارزم در این دوره، به‌ویژه شهر گرگانج (جرجانج)، از مهم‌ترین مراکز علمی و فرهنگی جهان اسلام به شمار می‌رفت. در اینجا تمایز میان «جرجان» تاریخی، «گرگان» امروزی و «گرگانج» ضروری است: جرجان کهن در ناحیه جنوب‌شرقی دریای خزر قرار داشت و گرگان امروزی (که تا زمان پهلوی اول استرآباد نام داشت) نام خود را از آن به ارث برده است؛ در مقابل، گرگانج (جرجانج) شهری در قلمرو خوارزم و پایتخت خوارزمشاهیان بود که بستر مناسبی برای فعالیت‌های علمی جرجانی فراهم می‌کرد.

۲. تألیف ذخیره خوارزمشاهی و ویژگی‌های ساختاری آن

ذخیره خوارزمشاهی مهم‌ترین اثر سید اسماعیل جرجانی در پزشکی است. پیش از تألیف ذخیره خوارزمشاهی، شمار کتاب‌های پزشکی به زبان فارسی محدود بود، آثارى مانند هدایة المتعلمین (تألیف نیمه دوم سده چهارم) که کهن‌ترین پزشکی‌نامه فارسی و نوشته ابوبکر ربیع بن احمد اخوینی بخاری است؛ الابنیه عن حقایق الادویه (تألیف سده چهارم) در داروهای مفرد اثر ابومنصور موفق بن علی هروی؛ دانشنامه حکیم میسری به شعر (تألیف ۳۷۰ ق.)؛ و نورالعیون فی امراض العین و اسبابها و علاجاتها (تألیف ۴۸۰ ق.) که کهن‌ترین چشم‌پزشکی‌نامه فارسی و نوشته ابوروح محمد بن منصور بن ابوعبدالله جرجانی، معروف به زرین‌دست است.

این آثار عموماً کم‌حجم بوده و غالباً به موضوعی خاص اختصاص داشته‌اند و برخلاف ذخیره خوارزمشاهی، تمامی مباحث پزشکی مورد نیاز برای آموزش یک دانشجوی پزشکی را در بر نمی‌گرفتند.

بر اساس مقدمه نویسنده، او این کتاب را در سال ۵۰۴ هجری نگاشته و به قطب‌الدین محمد خوارزمشاه (حک: ۴۹۰ یا ۴۹۱-۵۲۱) حاکم محلی خوارزم تقدیم کرده است.^۳

کتاب ذخیره خوارزمشاهی در نه «کتاب» و یک قراپادین تنظیم شده و دارای ساختار دانشنامه‌ای و منظم است. ذخیره از مباحث کلی طب آغاز می‌شود و به تشریح، بیماری‌ها، درمان‌ها، تدابیر تغذیه، و داروشناسی می‌پردازد. جرجانی، بعدها پس از نگارش ذخیره به زبان فارسی، دو کتاب اول آن را به عربی نیز ترجمه کرد. او در مقدمه ترجمه عربی ذخیره خوارزمشاهی^۴ از گردآوری این اثر در هفتادسالگی خود یاد کرده است.

۲. ص ۶۴۴.

۳. جرجانی، چاپ سعیدی.

سیرجانی، ص ۲.

۴. ص ۲.

یکی از مهم‌ترین وجوه اهمیت ذخیره خوارزمشاهی، نقشی است که این اثر در گسترش و عمومی‌سازی دانش پزشکی در سرزمین‌های مختلف جهان اسلام ایفا کرده است. در دوره‌ای که زبان غالب آموزش و تألیف پزشکی عربی بود و دسترسی به متون علمی عملاً محدود به گروهی از نخبگان عرب‌دان می‌شد، جرجانی با نگارش ذخیره به زبان فارسی، امکان بهره‌مندی از دانش طب را برای طیف گسترده‌تری از طالبان علم پزشکی را فراهم آورد.

عبارات نویسنده در ابتدای کتاب ذخیره خوارزمشاهی^۵ نشان می‌دهد که نگارش ذخیره پروژه‌ای آگاهانه برای تألیف متنی طبی با نثر علمی فارسی بوده است. جرجانی زبان فارسی را به مثابه زبانی توانمند و جایگزین زبان عربی برای بیان مفاهیم تخصصی پزشکی به کار گرفت. از این منظر، ذخیره خوارزمشاهی نه تنها متنی پزشکی، بلکه سندی بنیادین در شروع نگارش متون علمی به زبان فارسی به شمار می‌آید.

این کتاب گنجینه‌ای غنی از واژگان و اصطلاحات پزشکی فارسی است و به روشنی نشان می‌دهد که زبان فارسی در سده‌های میانه از ظرفیتی کامل برای بیان مفاهیم و اصطلاحات علمی پزشکی برخوردار بوده است. جرجانی در این اثر می‌کوشد تا حد امکان از معادل‌های فارسی استفاده کند و در موارد لازم به واژه‌سازی روی آورد. همین ویژگی سبب شده است که ذخیره در دوره‌های بعد به منبعی مهم برای پژوهش‌های زبان‌شناختی و مطالعات واژه‌گزینی علمی بدل شود. پژوهش‌هایی همچون کار دکتر جامی شکیبی گیلانی درباره واژه‌های پزشکی فارسی در ذخیره، گواه تداوم این اهمیت در دوران معاصر است.^۶

افزون بر این، کتاب حاوی واژگانی از زبان خوارزمی از زبان‌های فارسی میانه و گویش‌های محلی آن دوران در نواحی گرگانج و مرو است. با توجه به اینکه این زبان و گویش‌ها امروزه از میان رفته‌اند، ذخیره خوارزمشاهی منبعی ارزشمند برای ردیابی و مطالعه برخی واژگان در این زبان به شمار می‌آید. نکته قابل توجه آن است که جرجانی این حساسیت زبانی را عمدتاً در ذخیره خوارزمشاهی اعمال کرده است. هرچند وی آثار دیگری نیز به فارسی نگاشته از جمله الاغراض الطبیة و خفی علانی اما حساسیت و دقتی که در واژه‌گزینی به فارسی در ذخیره مشاهده می‌شود، در دیگر آثار او دیده نمی‌شود. جرجانی، مشابه آنچه در سنت پزشکی امروز نیز مشاهده می‌شود، برای سطوح گوناگون مخاطبان آثار متفاوتی تألیف کرده است. ذخیره خوارزمشاهی جامع‌ترین و مفصل‌ترین اثر اوست که به منزله کتابی مرجع و درسی برای آموزش ابعاد نظری و عملی پزشکی به کار می‌رفته است. از نظر منابع، جرجانی آشکارا بر سنت پزشکی یونانی - اسلامی تکیه دارد. در متن ذخیره به نام پزشکان و فیلسوفانی چون بقراط، افلاطون،

ارسطو، دیوسکوریدس، جالینوس، سرک هندی، روفس افسیسی، اریباسیوس، اهرن، یوسف ساهر (قرن سوم)، ابن ماسویه (درگذشته: ۲۴۳ ق.)، ثابت بن قره (درگذشته: ۲۸۸ ق.)، شاپور بن سهل، علی بن ربیع طبری (قرن سوم) محمد بن زکریای رازی، علی بن عیسی کحال، ابوالحسن طبری تزنجی (قرن چهارم) و ابن سینا بارها اشاره شده است.^۷ احمد فرخ^۸ احتمالاً استاد جرجانی در طب و چشم‌پزشکی بوده است.

باین حال، جرجانی صرفاً ناقل آراء پیشینیان نیست، بلکه در موارد متعددی دیدگاه‌های انتقادی و تجربه‌های بالینی خود را نیز در متن وارد می‌کند؛ امری که به ذخیره خوارزمشاهی جنبه‌ای عملی و بالینی می‌بخشد. در کنار آن، تألیفات دیگر طبی جرجانی چون الاغراض الطبیة، خفی علانی و یادگار نسخه‌های خلاصه شده، کاربردی و همراه‌بردنی بودند که بیشتر برای مرور و یادآوری به کار می‌رفتند.

گزارش‌های تاریخی مبنی بر آنکه خفی علانی کتابی بوده که طالبان طب آن را «در موزه یا کفش خود می‌گذاشتند و همراه می‌بردند»، به خوبی نشان‌دهنده کاربرد بالینی و عملی متون جرجانی است. این تنوع در سطح و حجم آثار، جرجانی را به پزشکی بدل می‌کند که نه تنها به تولید دانش، بلکه به شیوه انتقال و مصرف دانش پزشکی نیز اندیشیده است.

۳. کثرت نسخه‌های خطی و مسئله ناقص بودن ذخیره

یکی از شاخص‌ترین نشانه‌های اهمیت تاریخی ذخیره خوارزمشاهی شمار بالای نسخه‌های خطی باقی‌مانده از آن است. بر اساس گزارش‌های موجود، در حال حاضر حدود ۲۶۰ نسخه از ذخیره در کتابخانه‌های ایران شناسایی شده و با احتساب نسخه‌های موجود در کتابخانه‌های خارج از کشور، این تعداد به مراتب بیشتر است. چنین کثرتی از نسخه‌ها، ذخیره را در کنار آثاری چون قانون ابن سینا که حدود هفتصد نسخه از آن شناخته شده، در زمره پرنسخه‌ترین متون پزشکی در دوره اسلامی قرار می‌دهد.^۹ باین حال، نکته مهم آن است که بیشتر نسخه‌های موجود ناقص‌اند. بخش‌های نخستین کتاب، که به مبانی و کلیات طب می‌پردازد، بیش از سایر بخش‌ها مورد توجه بوده و بارها استنساخ شده است؛ درحالی‌که کتاب‌های سوم تا پایان، که وارد مباحث عملی و تخصصی‌تر پزشکی می‌شوند، کمتر نسخه‌برداری شده‌اند. ازاین‌رو، نسخه‌های کامل ذخیره بسیار اندک‌اند و کثرت نسخه‌ها الزاماً به معنای وفور نسخه‌های کامل نیست.

در میان نسخه‌های شناخته شده در داخل ایران، نسخه نگهداری شده در دانشگاه تهران به شماره ۵۱۵۶ با تاریخ کتابت ۵۸۲ هجری قمری - که درباره اصلت تاریخ آن

۷. برای نمونه رک: جرجانی، چاپ سعیدی سیرجانی، ص. ۳۰، ۴۵، ۱۰۳، ۱۴۶، ۱۷۶، ۱۸۶، ۳۶۱، ۳۷۰، ۴۹۱، ۵۲۱، ۴۹۱. همان، ص. ۴۹۱.
۸. همان، ص. ۱۶، ج ۱، ص. ۷۵، ۵۱.

تردیدهایی مطرح شده است - و نسخه موجود در کتابخانه ملی ایران به شماره ۱۱۸۹۰ با تاریخ کتابت ۶۷۶ هجری قمری (احتمالاً بازنویسی از نسخه‌ای با این تاریخ است، زیرا خط نسخه به قرن ۱۰ و ۱۱ هجری قمری نزدیک است)، همراه با نسخه‌ای از کتابخانه سپهسالار به شماره ۷۹۶، با تاریخ کتابت ۸۷۰ هجری قمری از معدود نسخه‌های نسبتاً کامل و متقدم ذخیره خوارزمشاهی به شمار می‌آیند. در میان این نسخه‌ها، نسخه شماره ۱۱۸۹۰ کتابخانه ملی ایران، از حیث صحت متن و دقت در کتابت اصطلاحات تخصصی پزشکی، نسخه‌ای قابل اعتماد تلقی می‌شود؛ به گونه‌ای که می‌توان احتمال داد کاتب آن خود پزشک بوده یا دست‌کم آشنایی کافی با اصطلاحات طبی داشته است؛ امری که به افزایش دقت در کتابت انجامیده است.

شایان ذکر است که شادروان علی‌اکبر سعیدی سیرجانی در سال ۱۳۵۵ شمسی، تصویر نسخه‌ای نسبتاً کامل و متقدم از ذخیره خوارزمشاهی را که در افغانستان به دست آمده و در سال ۶۰۳ هجری قمری کتابت شده بود، به صورت فاکسیمیل در بنیاد فرهنگ ایران منتشر کرد. این چاپ عکسی طی پنجاه سال گذشته مبنای استفاده بسیاری از مصححان، پژوهشگران و پزشکان طب سنتی قرار گرفته است.

۴. آغاز تصحیح و چاپ ذخیره در قرن چهاردهم شمسی

با وجود رواج گسترده نسخه‌های خطی ذخیره، چاپ علمی آن تا قرن چهاردهم شمسی به تأخیر افتاد. نخستین چاپ‌ها از آثار جرجانی، از جمله خفی علایی و ذخیره خوارزمشاهی، در هندوستان و به صورت چاپ سنگی منتشر شده‌اند.^{۱۰} نقطه آغاز این فرایند، سال ۱۳۳۰ شمسی بود؛ زمانی که کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نسخه‌ای کهن از این اثر را خریداری کرد. در پی این اقدام، شادروانان استاد محمدتقی دانش‌پژوه و استاد ایرج افشار پیشنهاد کردند که چاپ ذخیره در سلسله انتشارات دانشگاه تهران قرار گیرد.^{۱۱} این پیشنهاد در دوره ریاست



۱۰. برای اطلاع از زمان دقیق این چاپ‌ها، رجوع شود به مشار، ج ۱، ستون ۵۸۲.
۱۱. افشار و دانش‌پژوه، ۱۳۴۴.

دکتر منوچهر اقبال بر دانشگاه تهران و با حمایت نهادی دانشگاه به تصویب رسید. انگیزه اصلی این پروژه، افزون بر اهمیت پزشکی کتاب، ارزش زبانی و تاریخی آن بود؛ چنان که افشار در مقدمه جلد اول بر فواید لغوی و زبانی ذخیره تأکید می‌کند.^{۱۲} تصحیح و چاپ جلد اول ذخیره خوارزمشاهی فرایندی طولانی و پرتعلیق بود. اگرچه تصمیم به چاپ در سال ۱۳۳۰ اتخاذ شد، این جلد نهایتاً در سال ۱۳۴۴ منتشر گردید. افشار در مقدمه نخست از فاصله‌ای حدود هشت سال سخن می‌گوید، درحالی که در یادداشت‌های بعدی از ده سال یاد می‌کند؛ اختلافی که بازتاب‌دهنده وقفه‌های اجرایی و دشواری‌های عملی پروژه است.^{۱۳}

عوامل متعددی در این تأخیر نقش داشتند. نخست، حجم زیاد و پیچیدگی خود متن ذخیره که دایرةالمعارفی چندوجهی است. دوم، وضعیت نسخه‌شناختی اثر؛ اگرچه نسخه‌های متعددی از ذخیره موجود است، اختلاف ضبط‌ها، دست‌کاری تاریخ کتابت برخی نسخه‌ها، و کیفیت نامتوازن آنها، تصحیح متن را به کاری زمان‌بر بدل می‌کرد.^{۱۴} عامل مهم دیگر، نبود همکاری پایدار با تخصص پزشکی بود. افشار تصریح می‌کند که در جریان کار روشن شد همکاری پزشکی آشنا با طب سنتی نه تنها مفید، بلکه ضروری است؛ امری که تحقق نیافت و مصححان را ناگزیر به احتیاط بیشتر کرد.^{۱۵}

پس از انتشار جلد اول که بر اساس نسخه خطی ذخیره خوارزمشاهی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۳۹۴ صورت گرفت، افشار و دانش‌پژوه، با وجود تردید نسبت به تناسب این پروژه با زمینه اصلی فعالیت‌هایشان، به تصحیح جلد دوم پرداختند. این جلد که در سال ۱۳۴۸ منتشر شد، بر پایه نسخه‌های کتابخانه سلطان فاتح استانبول (شماره‌های ۳۵۵۱ و ۳۵۵۲) و نیز نسخه مورخ ۶۸۰ هجری، متعلق به منوچهر بزرگمهر تصحیح گردید.^{۱۶} دسترسی به نسخه‌های عکسی دو نسخه از کتابخانه سلطان فاتح ترکیه که به همت مجتبی مینوی فراهم شده بود، نقش مهمی در این مرحله داشت. این رویکرد متن‌محور، وفاداری به نسخه را بر بازسازی انتقادی گسترده ترجیح می‌داد.^{۱۷}

با وجود تصویب چاپ مجلدات دیگر در انجمن تألیف دانشگاه تهران و تشویق چهره‌هایی چون حسین گل‌گلاب و نصرت‌الله کاسمی، پروژه تصحیح ذخیره در قالب افشار - دانش‌پژوه پس از دو جلد متوقف شد. این توقف، نتیجه ارزیابی واقع‌بینانه مصححان بود؛ آنان خود اذعان می‌کنند که ادامه چنین پروژه‌ای، آن هم به صورت فردمحور، با زمینه کاری‌شان سازگار نبوده است.^{۱۸} هم‌زمان با تصحیح ذخیره چاپ ایرج افشار و دانش‌پژوه، چاپ‌های دیگری از

۱۲. افشار، ۱۳۴۴.
 ۱۳. افشار، ۱۳۴۴؛ افشار، ۱۳۸۳.
 ۱۴. افشار، ۱۳۸۳.
 ۱۵. افشار، ۱۳۴۴.
 ۱۶. افشار، ۱۳۴۸.
 ۱۷. افشار، ۱۳۸۳.
 ۱۸. همان.

ذخیره نیز آغاز شد:

• چاپ پزشک‌محور دکتر جلال مصطفوی و همکاران در انجمن آثار ملی (۱۳۴۴).
۱۳۵۶ شمسی)، که هرچند حاوی توضیحات پزشکی بود، از حیث متن‌شناسی گزارش دقیقی از نسخه‌های مورد استفاده ارائه نمی‌داد. این چاپ مانند چاپ دانشگاه تهران محدود به کتاب اول و دوم ذخیره بود؛

• چاپ نسخه‌برگردان (فاکسیمیل) از نسخه‌ای کهن و تقریباً کامل از ذخیره که از افغانستان تهیه شده بود، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی در بنیاد فرهنگ ایران (۱۳۵۵ شمسی)؛

• در سال ۱۳۸۲ شمسی تصحیح دیگری از سوی فرهنگستان علوم پزشکی، تا کتاب پنجم، توسط محمدرضا محرری، استاد دانشگاه علوم پزشکی شیراز، انجام گرفت که بیشتر رویکرد پزشک‌محور و همراه با معانی اصطلاحات در پاورقی است تا اینکه مبتنی بر ضبط دقیق واژه‌ها بر اساس نسخه‌های مورد استفاده باشد؛

• در سال ۱۳۹۰ شمسی، چاپ نسخه‌برگردان (فاکسیمیل) از نسخه خطی ذخیره به شماره ۵۱۵۶ دانشگاه تهران، به کوشش دکتر حسن تاج‌بخش، استاد دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شد. نکته قابل توجه آن است که در این چاپ عکسی، بخش‌هایی از تصویر نسخه که دچار افتادگی یا ناخوانایی بوده‌اند، با بهره‌گیری از روش‌های گرافیکی و چاپی و به صورت مشابه با خط نسخه، بازسازی شده‌اند؛

• در سال ۱۳۹۵ شمسی تصحیح دیگری را حسین علینقی و هادی نژادفلاح انجام دادند که حاوی همه بخش‌های ذخیره است و انتشارات سفیراردهال منتشر کرده است؛
• تصحیح دیگری نیز توسط یوسف بیگ باباپور در سال ۱۴۰۰ شمسی توسط انتشارات چوگان منتشر گردید.

بررسی فنی و ارزش‌گذاری تصحیح‌های انجام‌گرفته در دو دهه اخیر نیازمند ارزیابی دقیق روش تصحیح، نسخه‌های مورد استفاده و خوانش دقیق متن است.

۵. دشواری تصحیح ذخیره خوارزمشاهی

تصحیح ذخیره خوارزمشاهی یکی از دشوارترین پروژه‌های متن‌شناسی در حوزه متون پزشکی فارسی است که از چند عامل هم‌زمان ناشی می‌شود:

نخست، تنوع جغرافیایی محل کتابت نسخه‌هاست. نسخه‌هایی که در مناطق مختلف کتابت شده‌اند، نه تنها از حیث خط و رسم‌الخط، بلکه از نظر اصطلاحات پزشکی نیز با یکدیگر تفاوت دارند. کاتبان، گاه، معادل‌های محلی یا متأخرتر اصطلاحات را

جایگزین واژگان اصلی جرجانی کرده‌اند، امری که موجب دگرگونی معنای جمله و حتی محتوای علمی متن شده است.

دوم، چندمعنایی و خوانش‌های متفاوت اصطلاحات پزشکی در سنت طب قدیم است. بسیاری از واژگان طبی می‌توانند به اشکال مختلف خوانده و تفسیر شوند و کوچک‌ترین تغییر در ضبط آنها می‌تواند به تفاوتی جدی در فهم بالینی منجر شود. از این رو، مصححی که دانش عمیق پزشکی نداشته باشد، عملاً قادر به داوری دقیق میان قرائت‌های مختلف نخواهد بود.

این عوامل سبب شد که پروژه‌های تصحیح ذخیره از جمله کوشش‌های استاد ایرج افشار و استاد محمدتقی دانش‌پژوه در دهه ۱۳۴۰ و نیز تلاش‌های بعدی دکتر جلال مصطفوی، عمدتاً به دو کتاب نخست محدود بمانند. به بیان دیگر، ورود به بخش‌های تخصصی‌تر پزشکی، فراتر از توان متن‌شناسی صرف بوده و نیازمند همکاری نزدیک میان مورخ پزشکی، پزشک و نسخه‌شناس بوده است.

۶. تأثیر فرامنطقه‌ای ذخیره: ترجمه‌ها و بازتاب‌ها

تأثیر ذخیره خوارزمشاهی محدود به حوزه فارسی‌زبانان نماند. در دوره عثمانی، ترجمه بخش‌هایی از این اثر به زبان ترکی عثمانی انجام گرفته است.^{۱۹} افزون بر این، دست‌کم یک ترجمه عبری از بخش‌هایی از ذخیره خوارزمشاهی در کتابخانه ملی فرانسه به شماره Hebrew 1169 و یک متن فارسی‌په‌ود به شماره ۱۰۲۸۳ در کتابخانه سپهسالار شناخته شده که نشان‌دهنده نفوذ این اثر در میان جوامع یهودی مرتبط با پزشکی دوره اسلامی است.

این ترجمه‌ها، ذخیره را به متنی فرامنطقه‌ای بدل کردند و جایگاه آن را در تاریخ انتقال دانش پزشکی به سرزمین‌ها و فرهنگ‌های دیگر را برجسته می‌سازند؛ متنی که از خوارزم آغاز شد، به ایران و آناتولی رسید و از آنجا به حوزه‌های زبانی و فرهنگی دیگر راه یافت.

نتیجه‌گیری

بررسی تاریخ تصحیح و نشر ذخیره خوارزمشاهی در قرن چهاردهم شمسی نشان می‌دهد که آثاری از این دست، به دلیل حجم گسترده، تنوع و تکرار نسخه‌ها و اهمیت میان‌رشته‌ای، یا باید در قالب پروژه‌هایی گروهی و بلندمدت تصحیح شوند، یا به صورت مرحله‌ای و با اهداف کاربردی محدود به انتشار برسند. در این چهارچوب، انتخاب افشار و دانش‌پژوه برای انتشار دو جلد نخست با رویکردی محتاطانه و متن‌محور،

۱۹. برای جزئیات بیشتر رک: شش، ص ۱۸۲.

متناسب با امکانات و شرایط علمی روزگار آنان، تصمیمی آگاهانه و بسیار ارزشمند به شمار می‌آید. ذخیره خوارزمشاهی همچنان یکی از منابع بنیادین برای پژوهش در تاریخ پزشکی، تاریخ علم و زبان علمی فارسی محسوب می‌شود.

منابع

- سعیدی سیرجانی، علی اکبر. (۱۳۵۵). ذخیره خوارزمشاهی. [چاپ عکسی از نسخه خطی]. تهران
- الذخيرة الخوارزمشاهية، ترجمة عربي ذخیره خوارزمشاهی. نسخه خطی کتابخانه دانشکده پزشکی دانشگاه تهران. ش ۱۱۳.
- افشار، ایرج (۱۳۴۴). مقدمه بر ذخیره خوارزمشاهی. جلد اول. تهران: دانشگاه تهران.
- — (۱۳۴۸). مقدمه بر ذخیره خوارزمشاهی. جلد دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- — (۱۳۸۳). یادداشت بر تجدید چاپ ذخیره خوارزمشاهی. جلد اول و دوم. تهران: المعی.
- قاسملو، فرید (۱۳۹۳). جرجانی، سید اسماعیل. در دانشنامه جهان اسلام. جلد ۱۰.
- پیمان، متین (۱۳۹۳). ذخیره خوارزمشاهی، در دانشنامه جهان اسلام جلد ۱۸.
- شکیبی گیلانی، جامی (۱۳۶۳). واژه‌های پزشکی پارسی در ذخیره خوارزمشاهی.
- مشار، خانبابا (۱۳۴۰-۱۳۴۴). مؤلفین کتب چایی فارسی و عربی. تهران: بی جا.
- درایتی، م. (۱۳۹۰). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ششن، ر.؛ آقینار، ج.؛ وایگی، ج. (۱۹۸۴/۱۴۰۴). فهرس مخطوطات الطب الاسلامی باللغات العربیة و التریکیة و الفارسیة فی مکتبات ترکیه. استانبول.

